نیمه پنهان کشمیر – ۳

حال و هوای خانواده در محله‌ای گرم و باصفا

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

بچه‌های روستایی هر از چندگاهی به سیب‌های ما دست اندازی می‌کردند و به همین خاطر من و برادرم بعد از مدرسه به نوبت برای مراقبت از سیب‌ها نگهبانی می‌دادیم.

البته تعداد کسانی که به جان باغ می‌افتادند خیلی کم بود چرا که آنها از پدر بزرگ من خیلی حساب می‌بردند.

پدر بزرگ همیشه غرولند می‌کرد: «بچه‌ها اگر امروز سیب بدزدند فردا سراغ دزدی از بانک می‌روند و در نهایت آنها مثل جاناک سینگ می‌شوند.»

جاناک سینگ به خاطر سرقت‌هایش ۱۴ سال را در زندان‌های مختلف سپری کرد برای دهه‌هاست که هیچ‌کس در منطقه ما آدمی را نکشته است.

من هر موقع با اتوبوس از مدرسه به خانه بازمی‌گردم به خانه کاهگلی جاناک سینگ که در حوالی خانه‌مان قرار دارد خیره می‌شوم گویی دیدن دوباره خانه می‌تواند اسراری را از زندگی او برایم آشکار کند.

خانه ما یک مجموعه سه واحدی مستطیل‌شکل است که با آجرهای سرخ و چوب‌های جلاخورده جنگلی ساخته شده است.

سقفِ خانه با ورقه‌های حَلبی گالوانیزه پوشیده شده و نمای مخروطی‌شکلی دارد. یک‌ونیم کیلومتر آن طرف‌تر از خانه ما خانه جاناک سینگ قرار دارد.

من معمولا در پله‌های طبقه بالا می‌ایستم و به اتوبوس‌های جهانگردان که از روبه‌رو خانه ما عبور می‌کنند نگاه می‌کنم.

اتوبوس‌های رنگارنگ، جهانگردان را از شهرهای بمبئی، کلکته و دهلی و همچنین اَنگرزها را (ما توریست‌های انگلیسی و یا هر شهروند غربی را انگرزی صدا می‌زنیم) در کشمیر جابه‌جا می‌کنند.

انگرزها آدم‌های جالبی هستند بعضی‌هاشان موهای بلندی دارند و بعضی‌هاشان هم سرشان را از ته تراشیده‌اند.

آنها با موتورسیکلت‌های بزرگ مسافرت می‌کنند و بعضی اوقات هم نیمه برهنه هستند.

من از یک همسایه که در هتلی کار می‌کرد پرسیدم، چرا انگرزها این‌قدر سفر می‌کنند و ما نمی‌کنیم؟

او گفت: به‌خاطر اینکه آنها انگرز هستند و ما نیستیم اما بالاخره از این معما سر در آوردم.

آنها مجبور بودند که کشمیر را ببینند اما ما همین جا زندگی می‌کردیم پس نیازی نمی‌دیدیم اقدام به سفر کنیم.

ما به آنها دست تکان می‌دادیم و آنها نیز متعاقباً دستشان را به طرف ما تکان می‌دادند.

پدر برایم یک کتاب دیکشنری فکاهی آمریکایی خریداری کرده بود که واژه‌های مربوط به داستان‌های سوپرمن، بت من، روبین و فلش دانشمندی که الکتریسیته را کنترل می‌کرد را تشریح می‌کرد.

من غالباً این کتاب را شب‌هنگام زیر نور زرد چراغ نفتی مطالعه می‌کردم و در این فکر بودم که اگر «فلش» در کشمیر زندگی می‌کرد چه صفایی داشت، از او می‌خواستیم که به وضعیت برق ما یک سروسامانی بدهد.

من ترجیح می‌دادم این قصه‌ها را تا آنجا مطالعه کنم که پدر بزرگ برای من تعیین کرده بود، اینها جدا از قصه‌هایی بودند که پدر بزرگ و خدمتکار ما اکرم در مورد افسانه‌های کشمیری و فارسی برایم تعریف می‌کردند.

افسانه‌هایی مانند عشق یکطرفه فرهاد کوهکن به شیرین ملکه سرزمین پارس‌ها که شرط کرد در صورتی که فرهاد کوه‌ها را بتراشد و از میان آنها جوی شیری به قصر شیرین برساند با او ازدواج خواهد کرد.

ما شام را با همدیگر سریک سفره بزرگ که اشعار اردو و فارسی در کناره‌های آن نقش بسته بود روی زمین و در نشیمن آشپزخانه می‌خوردیم.

شام معمولا با لَم دادن پدر بزرگ به یک پشتی در وسط نشیمن شروع می‌شد.

او رو به مادرم می‌کرد و می‌گفت: حما (حمیده) به نظر می‌رسد مادرت می‌خواهد ما امروز از گرسنگی بمیریم. مادر بزرگ هم پس از پک زدن به قلیان می‌گفت: من داشتم به نماز عصر فکر می‌کردم، پس بگذار اول شکم شما را سیر کنم.

تسلیمه باهوش بوده و بر کتاب‌های شیمی و جانورشناسی تسلط کامل دارد. او همچنین می‌تواند سخنرانی‌هایی را در کالج ارائه کند و برای این کار جلوی آینه می‌ایستد و مانند سخنرانان دست خود را به هنگام صحبت به این طرف و آن طرف تکان می‌دهد.

در مقابل روبینا به این کتاب‌های درسی توجهی ندارد و فقط دنبال مجلات زنان و کارگاهی و آوازهای بالیوودی است.

او همیشه یک رادیو ترانزیستوری دارد که با ولُوم کم یواشکی به این آهنگ‌ها گوش می‌کند، ما همیشه به هنگام شام خوردن دایره‌ای را تشکیل می‌دهیم که پدربزرگ در وسط آن قرار دارد.

هر موقع ما شام یا نهار گوشت گوسفند یا مرغ داریم پدربزرگ سهمش را می‌گیرد و آن را روی بشقاب من می‌گذارد.

به تسلیمه هم می‌گوید یک لیوان شیر برای اکرم که از صبح تا شب هم در خانه و هم در باغ سخت کار کرده و بسیار خسته می‌شود بیاورد.

صبح برای صبحانه همه دور یک سماور قدیمی که معمولا روی آن شیر چای نمکی بار گذاشته شده جمع می‌شویم. پس از خوردن صبحانه پدر بزرگ و مادر برای تدریس بیرون از خانه رفته خاله‌های من، برادرم و من هم به کالج و مدرسه می‌رفتیم.

نام مدرسه من که در یک ساختمان نیمه خراب در جوار یک شهر کوچک به نام «ماتن» قرار دارد لیسیوم (نام باغی در نزدیکی آتن که ارسطو در آن تدریس می‌کرد) بود. شنبه‌ها وقت رقابت‌های مقاله‌نویسی، بحث‌ها و آزمون‌های مختلف بود.

من یک‌بار به‌خاطر نوشتن مقاله‌ای در مورد خطرات و فجایع یک جنگ هسته‌ای جایزه‌ای مشتمل بر سه مداد کاربنی و دو دفتر یادداشت که در یک کاغذ کادو صورتی پیچیده شده بود دریافت کردم.

بمب‌های «پسر کوچک» و «مرد چاق» که بر روی هیروشیما و ناکازاکی ریخته شدند اسامی عجیب و غریبی بودند که در این آزمون به آنها اشاره شده بود.

من تمرکزم را روی تمرین دوچرخه‌سواری، بازی کریکت با همکلاسی‌هایم و خوردن «فیرن» یک نوع شیرینی شبیه «فرنی» که متشکل از بادام، شیر، کشمش که بیشتر در روز عید فطر و ماه رمضان تهیه می‌شود گذاشته بودم.

ما در ماه رمضان سحر بلند می‌شدیم. مادر بزرگ و مادر غذا را همراه با شیر چای نمکی آماده می‌کردند.

مادربزرگ قرآن می‌خواند، وجاهت و من هم همه‌اش درحالت خواب و بیداری خمیازه می‌کشیدیم تا چیزی آماده شود و بخوریم. ما غذا را باید سریع می‌خوردیم چون موذن ممکن بود اذان را هر موقع بخواند. ما بعضی اوقات بعد از اذان هم یواشکی چند لقمه دیگر می‌خوردیم و چنین توجیه می‌کردیم که هنوز نمی‌توانیم موهای ساعد دستمان را ببینیم.

او سپس آهسته آهسته به طرف صندلی چوبی نزدیک اجاق آشپزخانه که کاسه بشقاب‌های مسی در قفسه‌ها چیده شده بود می‌رفت.

در این هنگام بود که مادر بافتنی و ورقه‌های دانش‌آموزان را به کناری می‌گذاشت و سریع به کمک مادربزرگ می‌رفت تا بشقاب‌ها را آماده کند.

وجاهت (برادر کوچکم) سفره بلند زردرنگی را روی زمین می‌انداخت و من از پله‌ها بالا رفته و به دخترخاله‌هایم ندا می‌دادم که برای صرف شام پایین بیایند.

دو تا از دخترخاله‌های من به نام تسلیمه و روبینا ازدواج نکرده و در خانه با ما زندگی می‌کنند، بقیه دختر عمه‌ها و خاله‌ها ازدواج کرده و همراه با شوهران و بچه‌هایشان به دیدن ما می‌آیند.

من تمرکزم را روی تمرین دوچرخه‌سواری، بازی کریکت با همکلاسی‌هایم و خوردن «فیرن» یک نوع شیرینی شبیه «فرنی» گذاشته بودم. ما در ماه رمضان سحر بلند می‌شدیم. مادر بزرگ و مادر غذا را همراه با شیر چای نمکی آماده می‌کردند. مادربزرگ قرآن می‌خواند، وجاهت و من هم همه‌اش درحالت خواب و بیداری خمیازه می‌کشیدیم تا چیزی آماده شود و بخوریم.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۷۶

تصویری از روابط پیچیده در هیئت‌مدیره بنیاد فارفیلد

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

[ترکیب] هیئت‌مدیره بنیاد فارفیلد به تنهائی یک تصویر کلی و جذابی از این روابط پیچیده ارائه می‌دهد. جونکی فلایشمن، رئیس فارفیلد، [زمانی] مشاور قراردادی دفتر هماهنگی سیاست‌های ویزنر و پس از آن پوشش [مسلط و] آگاه سازمان سیا برای کنگره آزادی فرهنگی بود. پسرعموی او جِی هُلمز رئیس بنیاد هلمز که در سال ۱۹۵۳ در نیویورک تأسیس شد، از سال ۱۹۵۳ هلمز کمک‌های کوچک خود را به کنگره آزادی فرهنگی آغاز کرد. از سال ۱۹۶۲ بنیاد هلمز رسماً به عنوان گذرگاهی برای انتقال پول سازمان سیا به کنگره عمل می‌کرد. بنیاد فلایشمن که جونکی فلایشمن رئیس آن بود، نیز در فهرست حامیان مالی فارفیلد قرار گرفت. همچنین در هیئت‌مدیره فلایشمن، چارلز فلایشمن برادر/خواهرزاده جونکی فلایشمن قرار داشت، شخصی که در اوایل دهه ۱۹۶۰ به عنوان مدیر به فارفیلد آورده شد.

یکی دیگر از اعضای هیئت امنای فارفیلد کاس کانفیلد، یکی از برجسته‌ترین ناشران آمریکا بود. او مدیر [انتشارات] گروسِت‌اند دانلَپ، بَنتام بوکز و رئیس و مدیر هیئت تحریریه برادران هارپر بود. کانفیلد ناشر آمریکایی کتاب «خدایی که شکست خورد» بود. او، هم به عنوان افسر پیشین جنگ روانی و هم به عنوان دوست نزدیک آلن دالس، که خاطرت خود[1] را با عنوان تردستی روشنفکران[2] در سال ۱۹۶۳ منتشر کرد؛ از روابط پرباری با جهان روشنفکری برخوردار شد. کانفیلد همچنین در اواخر دهه ۱۹۴۰ مسئول جذب سرمایه برای [نهاد] فدرالیست‌های جهان واحد[3] گردید. رئیس وقت آن کولد مایِر، معاون آینده تام بریدن بود.

او فاش کرد: «یکی از ترفندهایی که استفاده می‌کردیم این بود که ما آن دسته از اعضایی که در سازمان‌های حرفه‌ای، انجمن‌های صنفی، یا اتحادیه‌های کارگری جایگاه تأثیرگذاری داشتند را تشویق می‌کردیم طوری حرکت کنند که آن‌ها قطعنامه‌های سالیانه[4] خود را در جهت منافع و خواسته‌های ما [تنظیم و] تصویب نمایند».

در سال ۱۹۵۴ کانفیلد رهبری کمیته دموکراتیک هنر را بر عهده گرفت. او بعدها یکی از اعضای مؤسس آنتا[5] (تئاتر و آکادمی ملی آمریکا) شد که در سال ۱۹۴۵ به عنوان شاخه امور خارجه تئاتر آمریکا، در کنار جوک ویتنی یکی دیگر از «کانال‌های خاموش» سازمان سیا دوباره فعال شد. کانفیلد دوست فرانک پلات، همچنین مدیر فارفیلد و یک مأمور سازمان سیا بود. در اواخر دهه ۱۹۶۰ پلات به مایکل جوسلسون کمک کرد که در کنار کانفیلد در [مجله] هارپر کار کند. کانفیلد همچنین یکی اعضای هیئت امنای انجمن فرانسه-آمریکا در کنار سی‌دی جکسون، گریسون کیرک (رئیس دانشگاه کلمبیا)، دیوید راکفلر (کلان سرمایه‌دار بزرگ و بزرگ خاندان راکفلر)، و ویلیام بِردن (رئیس آن [انجمن]) بود.

ویلیام آرمیستد مول بردن، همزمان با اینکه در مقام رئیس انجمن فرانسه و آمریکا قرار داشت، مدیر فارفیلد هم بود. بردن نوه نوه کمودور[6] وندربیلت، حضوری کلیدی در تشکیلات آمریکا داشت. او عضو و مدیر شورای روابط خارجه(اندیشکده‌ای خصوصی متشکل از شرکت‌ها و نخبگان اجتماعی که به عنوان نهاد سایه سیاست روابط خارجی عمل می‌کرد) بود و آلن دالس، جان مک‌کلوی، و دیوید راکفلر اعضای دیگر آن بودند. بردن در طول جنگ برای سازمان اطلاعاتی نلسون راکفلر کار می‌کرد و [همزمان] ریاست کمیته مشورتی موزه هنرهای مدرن در نیویورک را به عهده داشت. در سال ۱۹۵۶ او رئیس موزه شد. همچنین در آن سال در کمیته مشورتی «بوکس ابرود[7]» وزارت امور خارجه حضور داشت. او قبلاً دستیار معاون هوا فضای بریتانیا بود؛ سرمایه‌داری که علاقه خاصی به تأمین مالی امور هوانوردی داشت و با [شرکت] برادران براون، هریمن‌اند کامپنی، سکادر استیونزاند کلارک در نیویورک ارتباط برقرار کرد؛ همچنین مدیر چند شرکت شامل: شرکت فلز آمریکا ال‌تی‌دی، اتحادیه سولفور و شرکت نفت، شرکت سِرو دِ پاسکو، و هَن‌اُور بانک. و عضو مدعو هیئت‌های علمی دانشگاه‌های هاروارد و ام‌آی‌تی، رئیس مشترک «سلام بر فرانسه» (پاریس، بهار ۱۹۵۵) که در چتر حمایتی دولت قرار داشت و سفیر ایالات متحده در بروکسل در سال ۱۹۶۰!

یکی دیگر از مدیران اجرائی فارفیلد، گاردنر کاولز، خیر بنیاد گاردنر کاولز مستقر در آیوا بود، شخصی که دارایی‌های قابل توجه برخوردار از معافیت مالیاتی او، از سودهای کلان مجلات کاولز[8] و شرکت پخش[9] [برنامه‌ها صوتی و تصویری] که خود، رئیس آن‌ها بود به دست آمد. او همچنین عضو حقوقی [بنگاه] «جنگ صلیبی برای آزادی» و حامی مالی نشریه تاریخ که توسط انجمن مورخان آمریکا چاپ و توسط «اهداکنندگان خصوصی» تأمین مالی می‌شد، بود. این مجله به اندازه «جنگ صلیبی برای آزادی» محصول جنگ سرد بود و ویلیام دونوان (معروف به بیل وحشی رئیس دفتر خدمات استراتژیک OSS)، دوایت دی آیزنهاور (رئیس‌جمهوری)، آلن دالس (رئیس سازمان سیا) و هِنری لوس را در فهرست حامیان خود قرار داده بود.

طولانی‌ترین مدیر اجرائی فارفیلد جان «جک» تامپسون بود که از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵ این سمت را بر عهده داشت. تامپسون توسط کورد مه‌یر جذب سازمان سیا شد که او را از سال ۱۹۴۸ [یعنی] زمانی که هر دو، دستیار هیئت ایالات متحده آمریکا در کنفرانس سان فرانسیسکو بودند، می‌شناخت، کنفرانسی که به منظور ایجاد ساختار سازمان ملل متحد جدید تشکیل شد. تامپسون که قبلاً از شاگردان لیونل تریلینگ در [دانشگاه] کلمبیا بود، در محافل ادبی نیویورک شهرت داشت. جنیفر جوسلسون، دختر مایکل، از او به عنوان «عمو جک» یاد می‌کرد.

پانوشت:

۱- این ضمیر به آلن دالس برمی‌گردد.
۲- Craft of Intelligence
۳- United World Federalists
۴- Annual conventions of resolutions: مصوبات سالیانه نهادها و اتحادیه‌ها که رویکردها و جهت‌گیری‌های یکساله آن‌ها را ترسیم می‌کند
۵- ANTA (American National Theater and Academy)
۶- دریادار
۷- Books Abroad: مؤسسه خیریه‌ای که هدف خود را ترویج کتاب و کتابخوانی و افزایش سطح سواد مردم در خارج از مرزهای آمریکا اعلام کرده
۸- Cowles Magazines
۹- Broadcasting Company

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		جنوب		شمال	
۳۳۱۱۰۲۰۲		سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳	قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
۳۳۱۱۰۲۰۸	۳۳۱۱۲۱۹۳	شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴	شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۱۱۲۲۹۱	اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳	مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۳۰۸۵	چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸	شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۲۱۹۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰				

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

بنایی و خدمات ساختمانی

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت-اسپیلت-هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

کوناکون

مشاور روابط کار و تأمین اجتماعی سوابق بیمه بازنشستگی بدهی بیمه ۰۹۱۰۲۶۱۸۶۲۰

ایزوگام-قیرگونی آسفالت
۰۲۱-۲۲۵۹۸۵۵۳
۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷-۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

آگهی‌های مفقودی

استخدام

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.
- واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک انتظار
فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور- چمستان (۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید.
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک افق
خرید-فروش-رهن-اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

منطقه نور و چمستان
فروش چند واحد ویلا (باسند) همه قیمت موجود می‌باشد
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

برگ سبز و کارت مشخصات موتورسیکلت زمرد ۱۲۵ به شماره پلاک ۵۳۱۸۵- ۸۵۱ به رنگ آبی مدل ۱۴۰۰ و شماره موتور ۰۱۲۴N۲Z۷۰۱۳۳۲ و شماره تنه MKAD۱۸۲۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو PARSXU۷ به شماره پلاک ۶۱۴ی۲۹- ایران ۳۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۴۰۰ و شماره موتور ۱۶۱۹۱۲۶K۱۲۴ و شماره شاسی NAAN۰۱CE۸MH۶۳۱۸۸۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز مالکیت موتورسیکلت رهرو مدل ۱۴۰۰ به شماره موتور ۵۲۸۶۷۹ و شماره شاسی (تنه) ۳۵۹۸۵ به شماره انتظامی ۲۷۲۹۵ ایران ۱۴۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. قم

برگ سبز و کارت موتورسیکلت پرواز مدل ۱۳۹۹ به شماره انتظامی ۸۶۳ و ۱۶۷۲۶ و شماره موتور ۰۱۲۴N۱۴۱۱۲۳۰۶ و شماره شاسی N۱۴APPKDAL۱B۳۴۰۳۳ بنام علیرضا اکبری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (الیگودرز)

نوبت اول

پروانه طبابت عمومی اینجانب ایمان فریدونی به شماره ۱۶۶-۱۷۶۹۱۲-۲۸۰ به تاریخ صدور ۱۴۰۳/۳/۲۰ و تاریخ انقضا: ۱۴۰۴/۳/۲۰ به شماره نظام پزشکی ۱۷۶۹۱۲ مربوط به شهر شیراز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

برگ سبز پیکان ۱۶۰۰ تاکسی درون شهری به شماره انتظامی ۱۵۹۳۴۲ ایران۷۳ مدل ۸۳ موتور ۱۱۲۸۳۰۰۵۳۱۷ و شاسی ۸۳۴۱۷۲۲۹ به نام انجمن حمایت از زندانیان مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

سند کمپانی، برگ سبز و کارت ماشین یک دستگاه وانت پیکان- OHV۱۶۰۰ به رنگ سفید شیری- روغنی مدل ۱۳۹۳ به شماره موتور ۱۱۸P۰۰۷۲۸۰۸ و شماره شاسی NAAA۳۶AA۸EG۶۵۱۱۹۸ به نام مرضیه فارسیجانی به شماره ملی ۰۴۵۳۵۲۹۶۹۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (مسجدسلیمان)

برگ سبز خودرو سواری کوئیک، مدل ۱۴۰۰، به شماره انتظامی ۹۱۷ ی ۶۶ ایران ۷۶، و شماره موتور ۹۳۲۳۸۴۸/ M ۱۵ و شماره شاسی NAS ۸۴۱۱۰۰ M۳۳۷۳۶۱۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (لاهیجان)

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری لیفان X۶۰، مدل ۱۳۹۳، به شماره انتظامی ۱۸۲ د ۷۵ ایران ۷۶، و شماره موتور ۴۷۹۰۱۴۰۱۰۶۱۶۶ LFB و شماره شاسی NAKSG ۴۳۱۹ EB ۱۱۴۷۸۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (لاهیجان)

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۷، مدل ۱۴۰۱، به شماره انتظامی ۷۵۹ د ۷۲ ایران ۷۶، و شماره موتور ۰۰۰۶۶۴۹ B ۱۸۵ و شماره شاسی NAAR ۴۳۴ E ۱ Nj ۲۴۶۰۵۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (لاهیجان)

برگ سبز خودرو سواری پراید جی تی ایکس ای، به رنگ مشکی روغنی، مدل ۱۳۸۶، به شماره انتظامی ۲۴۱ ج ۷۵ ایران ۴۶، شماره موتور ۱۹۲۷۶۰۰ و شماره شاسی S ۱۴۱۲۲۸۶۰۸۷۵۱۰ بنام عزت‌اله همتی بجارسری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (رشت)

برگ سبز پراید مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۴۱_۲۸۳ج۵۸ و شماره موتور ۳۹۲۷۷۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۴۲۶۵۸۳ بنام بهمن توکلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (الیگودرز)

برگ سبز و کارت مشخصات موتورسیکلت تیزکار CDI- ۱۲۵ CG به شماره پلاک ۸۷۷۱- اهواز ۲۶ به رنگ زرشکی مدل ۱۳۸۴ و شماره موتور ۱۳۰۱۸۶۰۶ و شماره تنه NCV***۱۲۵C۸۴۰۵۲۵۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی و کارت مشخصات موتورسیکلت شیرویه ۱۲۵CC به شماره پلاک ۲۶۸۹- اهواز ۱۶ به رنگ آبالویی مدل ۱۳۸۲ و شماره موتور ۲۸۶۱۴ و شماره تنه ۸۲۸۰۹۴۱۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سیستم پژو تیپ ۲۰۶ به رنگ مشکی- متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۱۶۸ ج ۲۳ ایران ۶۶ به شماره موتور ۳۳۳۸۶۱۵ به شماره شاسی NAAP۰۳ED۶BJ۴۶۱۰۵۸ مربوط به نسرین عباس‌پور مشهدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ساری)

سند کمپانی خودرو سواری پژو ۲۰۶ به شماره پلاک ۱۵۷ ج ۶۵- ایران ۳۴ به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۳ و شماره موتور ۱۰FSS۱۴۸۸۸۷۷۴ و شماره بدنه ۰۰۸۳۶۵۸۳۷۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت تکپر به شماره پلاک ۵۶۶- ۱۷۸۴۳ به رنگ قرمز- گوجه‌ای مدل ۱۳۹۱ و شماره موتور ۱۵۶FMI۰۲۵۴۶۰۴ و شماره شاسی N۳B۱۲۵T۹۱۱۰۵۵۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سروش ربیع پور فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۱۸۷۰۱۷۶۸۲۰ صادره از شوشتر درمقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی الکتروتکنیک -برق صنعتی صادره ازواحددانشگاهی شوشتر شماره ۱۳۹۱۲۰۴۰۱۱۸۸ مفقود گردیده است وفاقد هرگونه اعتبار می‌باشد.ازیابنده تقاضامی‌شوداصل مدرک رابه دانشگاه آزاداسلامی واحد شوشتر به نشانی شوشتر-منطقه شوشترنو-بلواردانشگاه- دانشگاه آزاداسلامی واحدشوشتر- کدپستی ۶۴۵۱۷۴۱۱۱۷، ارسال نماید. شوشتر

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سروش ربیع پور فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه۱۸۷۰۱۷۶۸۲۰ صادره از شوشتر درمقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی کنترل -ابزار دقیق صادره ازواحددانشگاهی شوشتر شماره ۱۵۹۹۲۰۴۰۰۰۰۵ مفقود گردیده است وفاقد هرگونه اعتبار می‌باشد، ازیابنده تقاضا می‌شوداصل مدرک رابه دانشگاه آزاداسلامی واحدشوشتربه نشانی شوشتر-منطقه شوشترنو-بلواردانشگاه-دانشگاه آزاداسلامی واحدشوشتر-کد پستی ۶۴۵۱۷۴۱۱۱۷، ارسال نماید. شوشتر

برگ سبزسواری سیستم سایپا تیپ SAINA مدل ۱۳۹۶ رنگ سفید-روغنی به شماره موتور M۱۵/۸۳۹۹۶۷۴ و شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰H۵۷۱۹۲۳۵ و شماره پلاک ۸۴۹ ن ۲۸ ایران ۲۴ بنام اسحق موسوی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. شوشتر

برگ سبز خودرو سواری پژو GLX۴۰۵ دوگانه‌سوز به شماره پلاک ۸۷۵ ل ۲۶- ایران ۱۴ به رنگ نقره‌ای- متالیک مدل ۱۳۹۵ و شماره موتور ۱۲۴K۰۸۴۵۵۲۷ و شماره شاسی NAAM۱۱VE۰GK۴۵۶۵۰۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری هاچ‌بک پانوراما به شماره پلاک ۳۶۶ ق ۷۲- ایران ۲۴ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ و شماره موتور ۱۶۶B۰۰۶۷۵۵۳ و شماره شاسی NAAR۰۳FE۵NJ۹۲۳۶۹۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند مالکیت موتورسیکلت کبیر تیز تککار ۱۲۵CC به شماره پلاک ۵۶۳- ۹۳۴۹۴ به رنگ قرمز مدل ۱۳۸۹ و شماره موتور ۱۵۶FMINCV۲۰۱۰۱۱۲۴۷۸ و شماره شاسی NCV۱۲۵C۸۹۰۵۲۰۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پراید جی تی ایکس‌ای مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ۵۸۱ی۸۳ ایران ۲۳ وشماره موتور ۱۶۵۶۹۷۳ وشماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۹۲۵۵۵۰۰ به نام محمودعابدی ریزی به کد ملی ۱۱۷۰۶۱۹۴۶۰ مفقود شده اعتبار ندارد. زرین شهر.

برگ سبز و سندکمپانی پراید مدل ۱۳۸۲ انتظامی ۳۵۸ب۳۹ ایران۸۹ شماره موتور ۰۰۵۲۷۹۷۸ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۹۲۲۶۵ بنام رمضان مشهدی هاشمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بوئین زهرا

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۷۱۸ ن ۷۳ ایران ۶۳ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۱۴۵۸۸ و شماره شاسی NAAN۰۱CAE۵۵۲۷۳۸ بنام علی نیکبخت مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (آباده)

برگ سبز و سند مالکیت موتورسیکلت زمرد تیزکار CDI- ۱۲۵ CG به شماره پلاک ۸۷۷۱- اهواز ۲۶ به رنگ زرشکی مدل ۱۳۸۴ و شماره موتور ۱۳۰۱۸۶۰۶ و شماره تنه NCV***۱۲۵C۸۴۰۵۲۵۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی و کارت مشخصات موتورسیکلت شیرویه ۱۲۵CC به شماره پلاک ۲۶۸۹- اهواز ۱۶ به رنگ آبالویی مدل ۱۳۸۲ و شماره موتور ۲۸۶۱۴ و شماره تنه ۸۲۸۰۹۴۱۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سیستم پژو تیپ ۲۰۶ به رنگ مشکی- متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۱۶۸ ج ۲۳ ایران ۶۶ به شماره موتور ۳۳۳۸۶۱۵ به شماره شاسی NAAP۰۳ED۶BJ۴۶۱۰۵۸ مربوط به نسرین عباس‌پور مشهدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ساری)

برگ سبز و سندکمپانی پراید سواری پراید صبا جی تی ایکس، به رنگ سفید شیری - روغنی، مدل ۱۳۸۲، به شماره انتظامی ۹۹۲ س ۲۵ ایران ۴۶، شماره موتور۴۴۷۰۸۷ و شماره شاسی S ۱۴۱۲۲۸۲۹۱۲۹۸۶ بنام اصغر اکبری بیالوانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (رشت)

اسامی ۷ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام مستعار کودک: رامین
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۸/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۸
ارجاع دهنده: بیمارستان امام حسین (ع)

نام مستعار کودک: نیلماه
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۸/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۶
ارجاع دهنده: بیمارستان آرش

نام مستعار کودک: آیدین
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۷/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۵
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: کیهان
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۸/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۵
ارجاع دهنده: بیمارستان بهارلو

نام مستعار کودک: روشنک
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۷/۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۱
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: مهراب
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۶/۲۵
**تاریخ